بسم الله الرحمن الرحيم

# مقدمه

بحث در بررسی حکم وفای به وعد می‌باشد. در جلسه قبل چند آیه مانند آیه «**إِنَّ اللَّهَ لاَ يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»**(آل‌عمران/9) و **«وَعْدَ اللَّهِ لاَ يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَعْلَمُونَ»(روم**/6**)** مطرح شد و بیان شد که این آیات به‌تنهایی نمی‌تواند مورد استشهاد واقع شوند به خاطر این احتمال که این آیات، همان‌گونه که در خود آیات مورد تأکید قرارگرفته است، مربوط خداوند می‌باشد و شامل غیر نمی‌شود.

# ادعای وجود حکم عقل بر وجوب وفای به وعد

بعدازاینکه بیان شد دلالت آیات بر وجوب وفای به وعده تام نیست نوبت به بررسی حکم عقل در مورد وفای به وعد، می‌رسد. ممکن است ادعا شود که عقل حکم به حسن وفای به وعد می‌کند و همچنین تخلف از آن را قبیح می‌داند همان‌طور که در معاملات و عقود نیز عقل حکم به لزوم و وجوب وفای به عقد می‌کند. حال باید این حکم ادعایی موردبررسی قرار گیرد و بررسی شود که آیا چنین حکم عقلی وجود دارد یا خیر؟

## نظر استاد در مورد دلیل ادعاشده

به نظر ما در محل بحث می‌توان ادعا کرد که به‌طور مسلم عقل به حسن مطلق وفای به وعد البته نه در حد الزام و همچنین وجوب وفای به وعد مشروط حکم می‌کند اما در وجود حکم عقل به وجوب وفای به وعد ابتدایی و غیر مشروط، تردید وجود دارد.

## حکم غیر الزامی عقل به حسن وفای به وعد مطلق

آنچه مسلم و قابل‌قبول است این است که عقل به‌طور مستقل به حسن وفای به وعد به‌طور مطلق حکم می‌کند. البته این حکم در حد الزام نیست و نمی‌توان چیزی بیش از رجحان از آن استفاده کرد و وفای به وعد نوعی وفای به عهد می‌باشد. همان‌طور که قبلاً نیز بیان کردیم در حکم عقل، تشکیک وجود دارد و مراد از حسن عقلی، درجه بالا و قوی آن‌که الزامی است، نیست بلکه درجه ضعیف آن‌که غیر الزامی است، می‌باشد؛ و در مقابل نیز تخلف از وعد به‌طور مطلق قبیح می‌باشد و این قبح هم در حد الزام نیست.

## حکم الزامی عقل به حسن به وفای وعد مشروط

 وعد و وعده بر دو قسم است گاهی وفای به وعد مشروط و منوط به عمل دیگری است و گاهی نیز به‌طور مطلق و ابتدایی است یعنی منوط به چیز دیگری نشده است. در محل بحث حکم عقلی دیگری که مسلم و قابل‌قبول است این است که عقل حکم به حسن وفای به وعد مشروط به‌طور الزام می‌کند به‌خصوص در مواردی که واعد، وعده خود را مشروط به انجام کاری از سوی طرف مقابل خود می‌کند که در صورت انجام آن فعل توسط طرف مقابل، این حکم عقل، الزامی می‌باشد.

##  تردید در الزامی بودن حکم عقل به حسن به وفای وعد مطلق

درصورتی‌که در مقابل وعد چیزی شرط نشود و وعد مطلق باشد در این صورت حکم الزامی عقل به حسن به وفای به وعد، محرز نیست و نمی‌توان به آن اطمینان پیدا کرد و در وجود چنین حکم الزامی، تردید وجود دارد و تنها می‌توان گفت که حکم عقل به رجحان وفای به وعد، قطعی می‌باشد اما بیش از این مطلب ثابت نیست مگر اینکه عناوین دیگری مانند کذب بر تخلف از وعد حمل شود و تخلف از وعد مطلق و غیرشرطی مصداق کذب قرار گیرد که در این صورت از باب حرمت و قبح کذب حکم به الزام به وفای به وعد می‌شود.

# شرطی بودن وعده‌های خداوند در قرآن

نکته دیگری که باید به آن اشاره شود این است که مراد از وعده‌های خداوند در قرآن نوعی از وعد شرطی می‌باشد نه وعده ابتدایی و مطلق و عقل حکم به الزامی بودن وفای به آن‌ها می‌کند و آیاتی نظیر **«إِنَّ اللَّهَ لاَ يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»(آل**‌عمران/9**) «وَعْدَ اللَّهِ لاَ يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَعْلَمُونَ»(روم**/6**)** ارشاد به‌حکم عقل می‌باشند و حتی اگر این آیات هم نبود حکم عقل به الزامی بودن وفای به آن‌ها وجود داشت همان‌طور که در مورد ظلم هم همین‌طور است و قبح آن عقلی می‌باشد و آیات قرآن نیز ارشاد به‌حکم عقل می‌باشند.

# ادعای دلالت قاعده المومنون عند الشروطهم بر وجوب وفای به وعد

دلیل دیگری که بر وجوب وفای به وعده اقامه‌شده است، قاعده المومنون عند الشروطهم می‌باشد که یک قاعده فقهی است و روایات مستند و معتبری بر آن دلالت دارند. طبق این قاعده وفای به‌شرط واجب می‌باشد و بر تعهد به‌شرط اثر فقهی مترتب می‌باشد. ادعاشده که وعد نیز نوعی شرط است و وفای به آن نیز طبق همین قاعده لازم و واجب است.

## بررسی و نقد دلیل

در مورد قاعده المومنون عند الشروطهم بحث‌های بسیار مفصلی وجود دارد که شیخ انصاری در مکاسب محرمه در ذیل بحث خیار اشتراط به آن بحث‌ها پرداخته است. یکی از مباحثی که در ذیل این قاعده وجود دارد و معرکه آراء می‌باشد این است که آیا قاعده المومنون عند الشروطهم، اختصاص به شروط ضمن عقد دارد یا اینکه شروط ابتدایی را هم شامل می‌شود؟ در مورد شمول قاعده نسبت به شروط ضمن عقد هیچ اختلاف و بحثی وجود ندارد و به‌طورقطع شامل آن می‌شود اما نسبت به شروط ابتدایی که در ضمن عقد نیستند، اختلاف جدی وجود دارد که مرحوم شیخ هرچند شمول مفهوم شرط نسبت شروط ابتدایی را بعید نمی‌دانند اما با تردید از بحث شمول قاعده نسبت به شروط ابتدایی عبور کرده‌اند ولی برخی دیگر مانند مرحوم سید یزدی این شمول را قبول کرده‌اند.

### عدم شمول مفهوم شرط نسبت وعد

به نظر ما شمول مفهوم نسبت به وعده که الزام و التزام یک نفره‌ای است که یک شخص برای خود ایجاد می‌کند، گرچه احتمالش وجود دارد اما محل تردید می‌باشد و نمی‌توان نسبت به این شمول اطمینان پیدا کرد و برفرض شمول مفهوم شرط نسبت به وعده، کلمه شرط مشترک لفظی بین یک معنای عام و خاص می‌شود که شمول قاعده نسبت به معنای عام محل تردید می‌باشد و نمی‌توان به این قاعده در شمولش نسبت به معنای عام، اطمینان پیدا کرد و به آن تمسک کرد. البته در محل بحث برخی با توجه به روایت **وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ كَلُّوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع «أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع كَانَ يَقُولُ مَنْ شَرَطَ لِامْرَأَتِهِ شَرْطاً فَلْيَفِ لَهَا بِهِ- فَإِنَّ الْمُسْلِمِينَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ- إِلَّا شَرْطاً حَرَّمَ حَلَالًا أَوْ أَحَلَّ حَرَاماً.»**[[1]](#footnote-1) قائل شده‌اند که این قاعده شامل وعده هم می‌شود که باید در پاسخ گفت مراد از روایت، وعد شرطی و طرفینی است یعنی وعده و شرطی که در مقابل شرط دیگری می‌باشد نه وعده ابتدایی و التزام یک‌طرفه بدون شرط لذا قاعده شامل وعد ابتدائی نمی‌شود.

# روایات خاصه در محل بحث

روایات این باب در باب 109 ابواب العشره و جلد 75 مکاسب باب 14 آمده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

## روایت اول: معتبره منصور بن حازم

یکی از روایات محل بحث روایت **مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «إِنَّمَا سُمِّيَ إِسْمَاعِيلُ ع صَادِقَ الْوَعْدِ- لِأَنَّهُ وَعَدَ رَجُلًا فِي مَكَانٍ (فَانْتَظَرَهُ سَنَةً) - فَسَمَّاهُ اللَّهُ صَادِقَ الْوَعْدِ- ثُمَّ إِنَّ الرَّجُلَ أَتَاهُ بَعْدَ ذَلِكَ- فَقَالَ لَهُ إِسْمَاعِيلُ مَا زِلْتُ مُنْتَظِراً لَكَ.»**[[2]](#footnote-2)

می‌باشد. این روایت هرچند معتبر است اما مفید الزام وفای به وعده نیست و تنها می‌فرمایند اسماعیل علیه‌السلام صادق الوعد بودند و این مطلب مفید الزام نیست.

## روایت دوم: روایت شعیب العقرقوفی

**وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ شُعَيْبٍ الْعَقَرْقُوفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَفِ إِذَا وَعَدَ.»**[[3]](#footnote-3)این روایت به لحاظ سندی معتبر می‌باشد شعیب العقرقوفی توثیق خاص دارد و برفرض هم نداشته باشد ابن ابی عمیر از او نقل کرده است و به لحاظ دلالی هم عبارت **«فَلْيَفِ إِذَا وَعَدَ»** امر است و ظهور در وجوب دارد.

## روایت سوم: روایت هشام بن سالم

**وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ عِدَةُ الْمُؤْمِنِ أَخَاهُ نَذْرٌ لَا كَفَّارَةَ لَهُ- فَمَنْ أَخْلَفَ فَبِخُلْفِ اللَّهِ بَدَأَ وَ لِمَقْتِهِ تَعَرَّضَ- وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ- كَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللّهِ أَنْ تَقُولُوا ما لا تَفْعَلُونَ»**[[4]](#footnote-4) این روایت با قطع‌نظر از آیه‌ای در روایت به آن اشاره‌شده است، ظهور در وجوب و حرمت تخلف از وعده دارد.

## روایت چهارم: روایت داود بن سلیمان

**عَلِيُّ بْنُ عِيسَى فِي كَشْفِ الْغُمَّةِ، عَنِ الْحَافِظِ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ رُوَى دَاوُدُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ: عِدَةُ الْمُؤْمِنِ نَذْرٌ لَا كَفَّارَةَ لَهُ‌«**[[5]](#footnote-5) این روایت به لحاظ سندی تام نیست اما بر این دلالت دارد که بر مؤمن وفای به وعده مانند نذر واجب است با این تفاوت که خلف وعده کفاره ندارد.

## روایت پنجم: عهدنامه مالک اشتر

**«َ أَوْ أَنْ تَعِدَهُمْ فَتُتْبِعَ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ فَإِنَّ الْمَنَّ يُبْطِلُ الْإِحْسَانَ وَ التَّزَيُّدَ يَذْهَبُ بِنُورِ الْحَقِّ وَ الْخُلْفَ يُوجِبُ الْمَقْتَ‏إعِنْدَ اللَّهِ‏ وَ النَّاسِ قَالَ اللَّهُ [سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى‏] تَعَالَى‏ كَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللَّهِ‏ أَنْ تَقُولُوا ما لا تَفْعَلُون**»[[6]](#footnote-6) هرچند سند این روایت تام نیست اما قابل تصحیح می‌باشد. این روایت به لحاظ دلالی تام نیست.

## روایت ششم: روایت ابو یعلی

**«أَبُو يَعْلَى مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْجَعْفَرِيُّ فِي كِتَابِ نُزْهَةِ النَّاظِرِ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: أُكْفُلُوا لِي سِتّاً أَكْفُلْ لَكُمْ بِالْجَنَّةِ إِذَا تَحَدَّثَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَكْذِبْ وَ إِذَا وَعَدَ فَلَا يُخْلِفْ‌»[[7]](#footnote-7)** دلالت این روایت تام نیست.

جمع‌بندی ادله اقامه‌شده: استفاده وجوب وفای به وعده مطلقا

هرچند دلالت برخی ادله اقامه‌شده مانند حکم عقل و برخی آیات و روایات تام نبود اما در مجموعه ادله اقامه‌شده مانند برخی روایت و آیه «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لاَ تَفْعَلُونَ»**[[8]](#footnote-8) ظهور در وجوب وفای به وعد دارند و اطلاقشان شامل وعد ابتدایی هم می‌شود.

1. **- وسائل الشيعة؛ ج‌18، ص: 17.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **- وسائل الشيعة؛ ج‌12، ص: 164.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **- وسائل الشيعة؛ ج‌12، ص: 165.** [↑](#footnote-ref-3)
4. **- وسائل الشيعة؛ ج‌12، ص: 165.** [↑](#footnote-ref-4)
5. **- مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج‌8، ص: 459.** [↑](#footnote-ref-5)
6. **‏- نهج البلاغة (للصبحي صالح)؛ ص 444.** [↑](#footnote-ref-6)
7. **- مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج‌8، ص:460.** [↑](#footnote-ref-7)
8. **- الصف‏/ 2.** [↑](#footnote-ref-8)